



بدینی اندیشمندان و روشنفکران

سعید عبدالملکی
روان شناس (تهران)

زیگموند فروید^(۱) (۱۸۵۶-۱۹۳۹) پدر روانکاوی، اختلال بدبینی^(۲) را خاص اندیشمندان و روشنفکران می داند و می گوید: «بیماران دچار بدبینی که عموماً افراد مجرد و از زمره روشنفکرانند، از شک و بدگمانی خود رنج می برند، از دشمنان خیالی وحشت دارند و برای مبارزه با آنان، تلاش و لوازم بکر و بدیعی ابداع می کنند.»^(۳)

از این رو با مراجعه به زندگی نامه روشنفکران و نفوذ در لایه های زیرین و پنهانی زندگی و افکار آنان، شاید به جرات بتوان گفت افرادی همچون گالیله^(۴)، ژان ژاک روسو^(۵)، نیچه^(۶)، شوپنهاور^(۷)، کافکا^(۸)، همینگوی^(۹)، تولستوی^(۱۰)، فروید و... اگرچه از اختلال شخصیت بدبین به دور بوده اند لیکن اندیشه های بدگمانانه داشته اند و آن را در گفته ها و نوشته های خود تصویر کرده اند.

شاید فروید به این دلیل بدبینی را درباره روشنفکران مطرح می کند که روشنفکران افرادی هستند که: قدم به مناطق ممنوعه می گذارند، به مطلق تردید دارند، به مقدسات حمله ور می شوند، از تابوها عبور می کنند، علیه حکومت می شورند،

ناگفته پیداست این مفهوم فروید را نمی توان به تمام گروه روشنفکری تعمیم داد و از طرف دیگر نیز نمی توان مصادیق بارز رفتار بدگمانانه را در کثیری از روشنفکران و سرمداران افکار بلند بشری نادیده گرفت. اینجاست که با صرف نظر از مفهوم «بیماری» که به نوعی اختلال روانی آن هم به تعداد کمی از افراد جوامع اشاره دارد، می توان با تعدیل این پدیده، آن را به تمامی افراد بشری تعمیم داد و آن را امر طبیعی دانست، چون که سوءظن در حد ناچیز لازمه ی تعامل و تصمیم گیری درست است. دوم اینکه بدگمانی را جزء اجتناب ناپذیر اندیشه صاحبان افکار بلند و انتزاعی نگر به شمار آورد تا ضمن صحه گذاشتن بر این فرض فروید.



جانب محرومان ورنجدیدگان رامی گیرند و نه تنها از برخورداران قدرت و ثروت طرفداری نمی کنند، بلکه استبداد و دیکتاتوری را به چالش می خوانند که باز خورد این امر سبب شکل گیری «توهم توطئه»^(۱۱) در آنان می شود و برای خنثی کردن توطئه های دشمن فرضی به واکنش های بدگمانی پناه می برند تا از این مجرا امنیت روانی خود را باز یابند.

گالیله در یک اقدام نمادین: «کاپرا»^(۱۲) را به سرقت ادبی متهم می کند و تا محکوم کردن او به وسیله مقامات «پادوا»^(۱۳) پیش می رود... در «ونیز»^(۱۴) هجونامه یی بر ضد «کاپرا» منتشر می کند.^(۱۵) علاوه بر آن قاطعیت و اصرار او در راه ابراز عقایدش و واژگونی اصول فکری دانشمندان پیشین، سبب شد هم عصرانش «تکبر» و «جاه طلبی بیهوده» را نیروی محرک اعمال و نظرات او بدانند.

ژان ژاک روسو که خود را دوستدار بشریت می دانست و انرژی فکری روانی خود را صرف آزادی انسان از قید و بندهای طبیعی و ماوراء طبیعی کرد، با انتشار کتاب «امیل»^(۱۶) به جرم فتنه جویی و اغتشاش گری علیه مذهب کاتولیک، کتابش را آتش زدند و خود او تا چندی متواری بود و به قول سیمون دوبووار^(۱۷):

«روسو از هذیان تحت آزار و تعقیب بودن رنج می برد و در آخر از آن خسته شد و به ترس اینکه نقشه هایی بر ضد وی در کار است، پایان داد. او این کار را با تمجید از خود عملی ساخت که این نیز شکلی از اختلال روانی است. ولی این وضع آرامش وی را فراهم آورد.»^(۱۸)

نیچه به محض اینکه معشوقش او را قاتل گذاشت، به جنون روی آورد و به زنان بدبین شد. علیه آنان مطلب نوشت و تا آخر عمر از آنها واهمه داشت.

شوپنهاور و مادرش علیه همدیگر نامه های توهین آمیز می نوشتند و همدیگر را به باد دشنام و ناسزای می گرفتند.

کافکا یک روز صبح از خواب برخاست، احساس می کرد «محاكمه»^(۱۹) خواهد شد و بایست در دادگاه حاضر شود.

همینگوی: «پس از معالجه های گوناگون برای افسردگی و کج خیالی، بهترین تفنگ دولول شکاری انگلیسی خود را برداشت، دو فشنگ در آن گذاشت و جمجمه خویش را متلاشی ساخت.»^(۲۰)

تولستوی: دچار هذیان عظمت شد و خود را «برادر بزرگ خداوند»^(۲۱) برشمرد.



و حتی خود فروید از بدگمانی در امان نبود:

همانندسازی او با «موسی»^(۲۲) که نشان از داعیه پیامبری او بود، این باور را در او ایجاد کرده بود که هم چون موسی می تواند وعده دهنده «ارض موعود»^(۲۳) باشد و بشریت را زیر سلطه فکری خود گرد آورد. این نگرش او از این شعارش در کتاب «تعبیر رویا»^(۲۴) که «اگر نتوانم آسمان را مطیع سازم، جهنم را زیر و رو خواهم کرد.»^(۲۵) به آسانی قابل درک است و آن هنگام که اوج مخالفت ها علیه او برپا شده بود در نامه یی به «فرنستی»^(۲۶) چنین نوشت: امکان دارد بعد از آنکه این همه سرود تدفین بیهوده بر سر ما نواخته شده است، این بار ما واقعا دفن شویم، این مساله به میزان زیادی سرنوشت شخصی ما را تغییر خواهد داد ولی تغییری در سرنوشت دانش ما ایجاد نخواهد کرد، ما حقیقت را در تملک خود داریم.»^(۲۷)

روشنفکر بسته به متدولوژی که دارد اغلب رگه یی از بدگمانی یا کج خیالی جزء جدایی ناپذیر شخصیت و اندیشه او است، چرا که ارزشی بیش از حد برای خود قایل است، اعتقادات دیگران را به چالش می برد، گاهی مواقع قضاوتی خشک و یک جانبه دارد، به طرز دیوانه وار از یک موضوع دفاع می کند یا به رد



دیگری می پردازد و علاقه مند به تحلیل و تفسیر است. بیش از افراد عادی از حساسیت، زودرنجی، شکاکی، بدبینی و یک دندگی بهره مند است و چه بسا همین ویژگی ها و حالت های متفاوت است که موجب شکل گیری اندیشه های عمیق در او می شود.

بدین ترتیب شخصیت روشنفکر تا حدی به انقباض می گراید. چانه زن و اهل بگومگو می شود، وضع موجود را بهتر از آنچه هست، می خواهد، خود را یگانه و منحصر به فرد می داند، در برابر دنیای بیرون حالت دفاع به خود می گیرد و گاهی دوستان نزدیک خود را نیز در شمار دشمنان سرسخت قلمداد می کند.

روشنفکر بلندپرواز و خودبزرگ بین است. از این رو همواره یک گرایش ناهشیار به اصلاح گرایی و ایجاد تغییر دارد، ادعای عظمت و جاودانگی می کند، خود را دانای کل می داند که باید معلم اخلاق دیگران باشد، همیشه به دنبال نقص زدایی از کار دیگران است در حالی که نقایص خود از نظرش دور می ماند و خود را صاحب رسالت و ماموریت برای تحول و دگرگونی وضع موجود و نجات بشریت از چالش های می داند.

خلاصه اینکه چون روشنفکر به طور فطری موجودی معترض است، اعتراض پایان ناپذیر او سبب می شود مدام در معرض بی مهری و تهدید باشد و به ویژه مورد هجوم و آزار حاکمان و صاحبان قدرت، ثروت و دانش قرار بگیرد.

از این رو روشنفکر یا از حکومت وحشت دارد و از چوبه دار می هراسد یا از هم طبقه هایش و از اینکه در صدد تخریب و حذف او برآیند و از گردونه رقابت بیرونش کنند.

دکتر علی شریعتی در سال های آخر عمر نوشت: «مرگ هر لحظه در کمین است. توطئه ها در میانم گرفته اند. من با مرگ زندگی کرده ام، با توطئه خو کرده ام... آنچه نگرانم کرده است ناتمام مردن نیست... ترسم از نفله شدن است...»^(۲۸) و جلال آل احمد از «یک چاه و دوچاله»^(۲۹) یی که احساس می کرد دوستان و رقبایش برای سقوط او کنده اند کتاب نوشت.

گاهی بدبینی روشنفکر، فلسفی است؛ روشنفکر گمان آن دارد که توسط نیروهای نامرئی و ماوراء طبیعی معدوم شود و در قبضه انهدام خدایان قهار محو شود یا به سان «پرومته»^(۳۰) در زنجیر خدایان گرفتار شده یا هم چون «سیزیف»^(۳۱)، به انجام کار بیهوده و بی امید گماشته شود.



پانوشت‌ها:

- ۱- زیگموند فروید (۱۸۵۶-۱۹۳۹) روان شناس و روانکاو سوئسی و بنیان گذار نظریه روان کاوی.
- ۲- Paranoia سوءظن و بدگمانی مفرط. پارانویا شامل پنج نوع هذیان می باشد:

 - الف: هذیان آزار و اذیت ب: هذیان حسادت ج: هذیان های شهوانی ح: هذیان عظمت ف: هذیان های جسمانی.
 - ۳- فرویدیسم، اشاراتی به ادبیات و عرفان، امیر حسین آریان پور، ص ۲۸۴.
 - ۴- گالیلئو گالیله در سال ۱۵۶۴ در شهر پیزای ایتالیا متولد شد، منجم و فیزیکدان برجسته ای که او را پدر علوم تجربی می دانند. وی معتقد بود که زمین کروی است و به دور خورشید می چرخد، کلیساوی را به خاطر این اعتقادش خانه نشین کرد.
 - ۵- ژان ژاک روسو: فیلسوف فرانسوی متولد ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ ژنو، سوئیس.
 - ۶- فریدریش ویلهلم نیچه، فیلسوف آلمانی متولد ۱۵ اکتبر ۱۸۴۴.
 - ۷- آرتور شوپنهاور فیلسوف بدبین آلمانی، متولد ۲۲ فوریه ۱۷۸۸ داننسینگ.

- ۸- فرانکس کافکا نویسنده کشور چک، آلمانی زبان متولد ۱۸۸۳ پراگ و نویسنده آثاری چون مسخ، محاکمه و قصر و...
- ۹- ارنست همینگوی نویسنده مشهور آمریکایی متولد ۱۸۹۸ و صاحب آثار چون آدمکش ها، پیرمرد و دریا و...
- ۱۰- لئون تولستوی، نویسنده بزرگ روسی متولد ۱۸۲۸ و صاحب آثاری چون جنگ و صلح و...
- ۱۱- توهم توطئه: این پندار که دیگران قابل اعتماد نیستند و هر آن ممکن است دست به دسیسه و توطئه بزنند.
- ۱۲- کاپرا: نویسنده و کارگردان مشهور ایتالیایی.
- ۱۳- پادووا: نام دانشگاهی در ایتالیا که در قرن ۱۳ میلادی تاسیس شد.
- ۱۴- ونیز: شهری زیبا در شمال ایتالیا.
- ۱۵- گالیله، مرکز بین المللی سنتز بخش تاریخ علم، ترجمه ناصر موفقیان، ص ۱۴.
- ۱۶- امیل یا آموزش و پرورش یکی از کتاب های مناقشه برانگیز روسو در زمان خودش بود که در آن سبک تعلیم تربیت زمان خود را به چالش برده و اظهار کرده است که تعلیم و تربیت نوین انسان را از اصل خود دور کرده و موجب فساد او شده است.



۱۷- سیمون دوبووار، فیلسوف فرانسوی، معشوقه ژان پل سارتر و نویسنده کتاب مهم جنس دوم.

۱۸- کهنسالی، سیمون دوبووار، ترجمه دکتر محمد علی طوسی، جلد ۲ ص ۷۵۶.

۱۹- محاکمه: محاکمه یکی از رمان های کافکامی باشد که شروع به نوشتن آن پس از بیدار شدن از یک خواب صبحگاهی کابوس وار بوده است که در واقع دلهره ها و رنج های خود کافکاست که به شکل رمان، نمود یافته است.

۲۰- همینگوی: روشنفکران، پال جانسن، ترجمه جمشید شیرازی، ص ۳۱۸.

۲۱- همان منبع، ص ۱۹۷.

۲۲- موسی پیامبر قوم بنی اسرائیل (یهود) و صاحب کتاب تورات.

۲۳- عرض موعود: سرزمین وعده داده شده توسط پیامبر بنی اسرائیل با این تفکر که تمامی قوم یهود در یک سرزمین گرد هم می آیند.

۲۴- کتاب تعبیر رویا یکی از مهمترین کتاب های فریود است که در آن خواب و رویا را به تحلیل روان شناختی نوشته است. این کتاب اکنون با عنوان تفسیر خواب توسط نشر

مرکز و ترجمه شیوا رویگریان به چاپ رسیده است.

۲۵- رسالت زیگموند فریود، اریک فروم ص ۹۱.

۲۶- فرنتسی: یکی از دوستان بسیار نزدیک فریود.

۲۷- رسالت زیگموند فریود، ص ۹۱۷.

۲۸- مجموعه آثار دکتر علی شریعتی شماره (۱)، با مخاطب های آشنا، صص ۲۵۶ و ۲۵۷.

۲۹- یکی از کتاب های جلال آل احمد که در آن ماجرای خیانت یکی از دوستانش نسبت به وی را افشا کرده است.

۳۰- پرومته یکی از خدایان یونان، الهه آتش، که آتش را از ایزدان دزدید و آن را به انسان بخشید و گویند آتش همان خرد و دانایی است. و خدایان تصمیم گرفتند برای مجازات وی، او را بر سر کوه به زنجیر ببندند و عقابی هر روز بدن او را تکه تکه می کرد.

۳۱- سیزیف یکی از افسانه های یونانی است. سیزیف به جرم عصیان علیه خدایان بی رحم و مستبد، محکوم شده بود تا هر روز تخته سنگی را تا قله کوه بغلتاند و به محض صعود سنگ مجدد به پایین می غلتید و عمل تکرار می شد. در واقع خدایان برای انتقام جویی او را مجبور به انجام کار بیهوده و بی امید کرده بودند.

